



تحلیل جامعه‌شناختی توسعه اقتصادی خانوار بر میزان مشارکت اجتماعی در بحران‌ها و بلایای طبیعی در شهر تهران

برهان نادری^۱، خلیل میرزایی^{۱*}، حمیدرضا فاتحی^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Mirzaeei_Khalil@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل تأثیر توسعه اقتصادی خانوار (در ابعاد عینی و ذهنی) بر میزان مشارکت اجتماعی در شرایط بحران با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری در شهر تهران است. این پژوهش با رویکرد کمی و در قالب یک مطالعه توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن مناطق ۲۲گانه شهر تهران بود که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای ۳۸۴ نفری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته شامل مقیاس‌های توسعه اقتصادی خانوار (عینی و ذهنی)، سرمایه اجتماعی، چالش‌های ساختاری و مشارکت اجتماعی در مراحل مختلف بحران گردآوری شد. روایی ابزار با شاخص CVR و پایایی آن با آلفای کرونباخ تأیید گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندمتغیره سلسله‌مراتبی در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد. نتایج نشان داد که توسعه اقتصادی خانوار در هر دو بعد عینی و ذهنی تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی دارد، اما قدرت تبیینی آن محدود است. در مقابل، سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری تأثیر قوی‌تر و معنادارتری بر مشارکت اجتماعی نشان دادند. همچنین، این عوامل به‌طور معناداری بر توسعه اقتصادی فردی نیز اثرگذار بودند، به‌ویژه در بعد ذهنی که بیشترین میزان تبیین مشاهده شد. الگوهای مشارکت نیز نشان داد که مشارکت در مرحله پاسخ بحران بالاتر از سایر مراحل است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی در بحران‌ها پدیده‌ای چندبعدی است که علاوه بر توسعه اقتصادی، به‌شدت تحت تأثیر سرمایه اجتماعی و شرایط ساختاری قرار دارد و تقویت این عوامل می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اجتماعی منجر شود.

کلیدواژه‌گان: توسعه اقتصادی خانوار، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، چالش‌های ساختاری، مدیریت بحران، شهر تهران

تاریخ ارسال: ۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۸ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۳۱ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵



How to cite: Naderi, B., Mirzaei, K., & Fatehi, H. R. (2026). A Sociological Analysis of Household Economic Development and Its Impact on Social Participation in Crises and Natural Disasters in Tehran. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(4), 1-16.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

A Sociological Analysis of Household Economic Development and Its Impact on Social Participation in Crises and Natural Disasters in Tehran

Borhan Naderi¹, Khalil Mirzaei^{1*}, Hamid Reza Fatehi¹

1. Department of Social Sciences, Ro.C., Islamic Azad University, Roudehen, Iran

*Corresponding Author's Email: Mirzaeei_Khalil@iau.ac.ir

Abstract

The aim of this study was to examine the impact of household economic development (objective and subjective dimensions) on social participation in crisis situations, with emphasis on the mediating roles of social capital and structural challenges in Tehran. This study employed a quantitative, descriptive-survey design with a correlational approach. The statistical population consisted of individuals aged over 18 living in the 22 districts of Tehran, from which a sample of 384 participants was selected using Cochran's formula and multi-stage cluster sampling. Data were collected through a researcher-developed questionnaire measuring household economic development (objective and subjective), social capital, structural challenges, and social participation across different crisis phases. Content validity was confirmed using CVR and reliability was verified through Cronbach's alpha. Data were analyzed using hierarchical multiple regression in SPSS version 26. The results indicated that both objective and subjective dimensions of household economic development had a positive and significant effect on social participation, although with limited explanatory power. In contrast, social capital and structural challenges demonstrated stronger and more significant effects on social participation. These variables also significantly influenced economic development, particularly in the subjective dimension, which showed the highest explanatory power. Participation levels were highest during the crisis response phase compared to other stages. The findings suggest that social participation in crises is a multidimensional phenomenon influenced not only by economic development but also strongly by social capital and structural conditions, and strengthening these factors can enhance community resilience.

Keywords: *Household economic development, social participation, social capital, structural challenges, crisis management, Tehran*

Submit Date: 25 November 2025

Revise Date: 07 April 2026

Accept Date: 15 April 2026

Initial Publish: 20 April 2026

Final Publish: 22 December 2026

تحولات شتابان اجتماعی، اقتصادی و محیطی در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند تهران، موجب شده است که موضوع مشارکت اجتماعی شهروندان در مواجهه با بحران‌ها و بلایای طبیعی به یکی از محورهای اساسی در ادبیات توسعه و مدیریت بحران تبدیل شود. در این میان، توسعه اقتصادی خانوار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده در ظرفیت کنش اجتماعی افراد، نقش بسزایی در شکل‌دهی به الگوهای مشارکت ایفا می‌کند. از منظر جامعه‌شناختی، مشارکت اجتماعی نه‌تنها بازتابی از سطح انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی در جامعه است، بلکه شاخصی از میزان توانمندی اقتصادی، فرهنگی و نهادی افراد برای ورود به عرصه‌های جمعی نیز محسوب می‌شود (Jones, 2018; Smith & Taylor, 2016). بر این اساس، بررسی رابطه میان توسعه اقتصادی خانوار و مشارکت اجتماعی در شرایط بحران، می‌تواند به درک عمیق‌تری از سازوکارهای تاب‌آوری اجتماعی در بسترهای شهری منجر شود.

در ادبیات توسعه، توسعه اقتصادی صرفاً به افزایش درآمد یا بهبود شاخص‌های مادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد ذهنی و ادراکی آن نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. افراد ممکن است در شرایط اقتصادی مشابه، برداشت‌های متفاوتی از وضعیت خود داشته باشند که این برداشت‌ها بر رفتارهای اجتماعی آنان تأثیرگذار است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ثبات اقتصادی و امنیت درآمدی می‌تواند روابط خانوادگی را تقویت کرده و زمینه‌ساز مشارکت فعال‌تر در فعالیت‌های اجتماعی شود (Lindo et al., 2025; Oftedal et al., 2025). از سوی دیگر، در شرایطی که فشارهای اقتصادی افزایش می‌یابد، اولویت‌های افراد به سمت تأمین نیازهای اساسی سوق پیدا کرده و مشارکت اجتماعی ممکن است کاهش یابد. بنابراین، تحلیل هم‌زمان ابعاد عینی و ذهنی توسعه اقتصادی خانوار برای تبیین رفتارهای مشارکتی ضروری به نظر می‌رسد.

مشارکت اجتماعی در بحران‌ها، به‌ویژه در چارچوب رویکردهای نوین مدیریت ریسک بلایا، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری شناخته می‌شود. رویکردهای مبتنی بر جامعه تأکید دارند که بدون حضور فعال شهروندان، هیچ برنامه‌ای برای مدیریت بحران به‌طور کامل موفق نخواهد بود (Shaw, 2012). در این راستا، مشارکت می‌تواند در اشکال مختلفی همچون مشارکت پیشگیرانه، واکنشی و بازسازی بروز یابد که هر یک نیازمند منابع و انگیزه‌های متفاوتی هستند. مطالعات نشان می‌دهند که سطح مشارکت در مراحل مختلف بحران به‌شدت تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی قرار دارد (Mahdieh, 2020; Saberifar, 2022). به‌ویژه در مرحله بازسازی، که نیازمند تعهد بلندمدت و منابع بیشتر است، نقش توسعه اقتصادی خانوار برجسته‌تر می‌شود.

یکی از مفاهیم کلیدی در تبیین مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی است که شامل شبکه‌های ارتباطی، اعتماد متقابل و هنجارهای همکاری میان افراد می‌شود. سرمایه اجتماعی به‌عنوان پلی میان منابع فردی و کنش جمعی عمل کرده و می‌تواند اثرات توسعه اقتصادی را بر مشارکت اجتماعی تعدیل یا تقویت کند (Ahmadi, 2020; Gholami & Firouzjeh, 2019). در جوامعی که سطح سرمایه اجتماعی بالاتر است، حتی در شرایط محدودیت اقتصادی نیز میزان مشارکت اجتماعی می‌تواند قابل توجه باشد. در مقابل، ضعف در روابط اجتماعی و اعتماد عمومی می‌تواند اثرات مثبت توسعه اقتصادی را نیز خنثی کند. این موضوع نشان می‌دهد که تحلیل مشارکت اجتماعی بدون در نظر گرفتن بسترهای اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی ناقص خواهد بود.

علاوه بر سرمایه اجتماعی، ساختارهای نهادی و ادراک افراد از کارآمدی این ساختارها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در مشارکت اجتماعی دارند. چالش‌های ساختاری مانند ضعف در پاسخگویی نهادها، نابرابری‌های اجتماعی و محدودیت‌های دسترسی به منابع می‌توانند انگیزه‌های مشارکت را تضعیف کنند. در مقابل، وجود نهادهای پاسخگو و کارآمد می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش داده و مشارکت شهروندان را تقویت کند (Harris & White, 2017; Kemp, 2019). از این منظر، مشارکت اجتماعی نه‌تنها محصول ویژگی‌های فردی و اقتصادی است، بلکه بازتابی از کیفیت حکمرانی و ساختارهای اجتماعی نیز محسوب می‌شود.

در بستر شهر تهران، به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای پرجمعیت و در معرض انواع مخاطرات طبیعی، اهمیت این موضوع دوچندان می‌شود. مطالعات انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی خانوارها در مناطق مختلف شهری متفاوت است و این تفاوت‌ها

می‌تواند بر میزان مشارکت آنان در بحران‌ها تأثیرگذار باشد (Darban Astaneh et al., 2017; Zarei, 2016). همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشارکت شهروندان در مدیریت بحران می‌تواند به بهبود عملکرد سیستم‌های رسمی و افزایش کارایی اقدامات امدادی منجر شود (Amouzad Khalili et al., 2018; Faraji et al., 2020). با این حال، موانعی مانند نابرابری‌های جنسیتی، محدودیت‌های فرهنگی و ضعف در زیرساخت‌های اجتماعی می‌توانند این مشارکت را محدود کنند (Azamazadeh & Moshtaghian, 2016). از منظر نظری، رویکردهای مختلفی برای تبیین مشارکت اجتماعی ارائه شده است. نظریه‌های توسعه اجتماعی بر این نکته تأکید دارند که ارتقای شاخص‌های توسعه، زمینه‌ساز افزایش مشارکت شهروندان در امور عمومی می‌شود (Fazeli et al., 2013; Karimi et al., 2025). در مقابل، برخی رویکردها بر نقش عوامل فردی مانند انگیزش، آگاهی و نگرش‌ها تأکید دارند (Elmi, 2020). همچنین، نظریه‌های مبتنی بر زمان و منابع نشان می‌دهند که افراد با منابع اقتصادی و زمانی بیشتر، احتمال بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی دارند (Saberifar, 2022). در این میان، رویکردهای تلفیقی که به بررسی هم‌زمان عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی می‌پردازند، می‌توانند چارچوب جامع‌تری برای تحلیل این پدیده فراهم کنند.

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان توسعه اقتصادی و مشارکت اجتماعی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که در جوامع در حال توسعه، مشارکت اجتماعی اغلب تحت تأثیر نابرابری‌های اقتصادی و محدودیت‌های نهادی قرار دارد (Hossain, 2020). در عین حال، تحول دیجیتال و گسترش فناوری‌های ارتباطی نیز الگوهای جدیدی از مشارکت را ایجاد کرده‌اند که می‌تواند محدودیت‌های سنتی را تا حدی کاهش دهد (Doan, 2025). همچنین، ترکیب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع چندبعدی، نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارهای مشارکتی ایفا می‌کند (Juhaidi et al., 2024).

با وجود گسترش مطالعات در این حوزه، همچنان خلأهایی در درک دقیق روابط میان توسعه اقتصادی خانوار، سرمایه اجتماعی و مشارکت در بحران‌ها وجود دارد. بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی هر یک از این متغیرها به‌صورت مجزا پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل هم‌زمان و ساختاری آن‌ها توجه کرده‌اند. همچنین، تفاوت میان ابعاد عینی و ذهنی توسعه اقتصادی در بسیاری از مطالعات نادیده گرفته شده است، در حالی که این تمایز می‌تواند در تبیین رفتارهای اجتماعی اهمیت زیادی داشته باشد. علاوه بر این، شرایط خاص کلان‌شهرهایی مانند تهران، با ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی منحصر به فرد، نیازمند مطالعات بومی و زمینه‌مند است (Barghamadi & Abdollahi, 2019; Safiri & Sadeghi, 2009).

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر توسعه اقتصادی خانوار بر میزان مشارکت اجتماعی در بحران‌ها و بلایای طبیعی در شهر تهران، و با در نظر گرفتن نقش میانجی سرمایه اجتماعی و عوامل ساختاری، تلاش می‌کند تا تصویری جامع از این روابط ارائه دهد. هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر ابعاد عینی و ذهنی توسعه اقتصادی خانوار بر مشارکت اجتماعی در شرایط بحران با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری در شهر تهران است.

روش‌شناسی

این پژوهش در چارچوب یک طرح توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی و با رویکردی کمی انجام شده است که تمرکز اصلی آن بر تبیین روابط ساختاری میان متغیرهای کلیدی از طریق تحلیل مسیر بوده است. جامعه آماری شامل کلیه سرپرستان خانوار یا اعضای بالای ۱۸ سال خانوارهای ساکن در مناطق ۲۲گانه شهر تهران بوده است تا از پوشش جغرافیایی و اجتماعی مناسبی برخوردار باشد. با توجه به گستردگی جامعه آماری و به‌منظور دستیابی به نتایج قابل تعمیم، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت؛ بدین صورت که ابتدا مناطق شهری به‌عنوان خوشه‌های اصلی در نظر گرفته شدند، سپس در هر منطقه، محلات به‌طور تصادفی انتخاب شده و در مرحله نهایی، خانوارها از طریق روش‌های تصادفی سیستماتیک مورد گزینش قرار گرفتند. این شیوه

نمونه‌گیری امکان دسترسی به ترکیبی متنوع از پاسخ‌دهندگان با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت را فراهم ساخت و اعتبار بیرونی یافته‌ها را تقویت نمود.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بوده است که بر اساس مبانی نظری جامعه‌شناسی توسعه، سرمایه اجتماعی و مشارکت در بحران‌ها طراحی گردیده است. این پرسشنامه شامل چهار بخش اصلی بوده است که بخش نخست به جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و درآمد خانوار اختصاص داشت. بخش دوم به سنجش توسعه اقتصادی خانوار با ۱۱ گویه پرداخته که ابعاد مختلفی از جمله سطح درآمد، مالکیت دارایی‌ها، امنیت شغلی و دسترسی به منابع اقتصادی را پوشش می‌داد. بخش سوم شامل ۷ گویه برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی بوده که مؤلفه‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی را در بر می‌گرفت. بخش چهارم نیز با ۱۹ گویه به سنجش میزان مشارکت اجتماعی در شرایط بحران و بلایای طبیعی اختصاص داشت و رفتارهایی نظیر همکاری داوطلبانه، کمک‌رسانی، مشارکت در فعالیتهای امدادی و تعامل با نهادهای رسمی را مورد ارزیابی قرار می‌داد. روایی محتوای ابزار با بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی و مدیریت بحران و محاسبه شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) مورد تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که مقدار آن برای کل ابزار ۰/۹۱ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۳ به دست آمد که نشان‌دهنده سطح مطلوبی از همسانی درونی ابزار اندازه‌گیری است.

داده‌های گردآوری‌شده پس از کدگذاری و ورود به نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله نخست، آمارهای توصیفی برای بررسی ویژگی‌های نمونه و توزیع متغیرها محاسبه شد و در ادامه، به منظور آزمون روابط بین متغیرها و بررسی مدل مفهومی پژوهش، از رگرسیون خطی چندمتغیره به روش سلسله‌مراتبی استفاده گردید. این روش امکان تحلیل مسیر و تفکیک اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را فراهم می‌سازد. بدین منظور، متغیر توسعه اقتصادی خانوار در گام نخست وارد مدل شد تا اثر مستقیم آن بر مشارکت اجتماعی در بحران‌ها سنجیده شود و در گام‌های بعدی، متغیر سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی وارد معادله گردید تا نقش واسطه‌ای آن در رابطه بین توسعه اقتصادی و مشارکت اجتماعی مورد آزمون قرار گیرد. در نهایت، ضرایب مسیر استاندارد شده به‌عنوان شاخص‌هایی از شدت و جهت روابط بین متغیرها در مدل نهایی گزارش شدند و برازش کلی مدل نیز بر اساس شاخص‌های آماری مربوطه مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

در جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی و الگوهای مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان به‌صورت یکپارچه ارائه شده است تا تصویری کلی از ترکیب نمونه و وضعیت مشارکت آنان در مراحل مختلف بحران و بلایای طبیعی به دست آید.

جدول ۱. توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی، اقتصادی و سطوح مشارکت اجتماعی مشارکت‌کنندگان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
جنسیت	زن	۲۷۱	۷۰.۶	۷۰.۶	۷۰.۶
	مرد	۱۱۳	۲۹.۴	۲۹.۴	۱۰۰.۰
	جمع	۳۸۴	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	—
دامنه سنی	زیر ۲۵ سال	۱۲۶	۳۲.۸	۳۲.۸	۳۲.۸
	۲۶ تا ۳۵ سال	۵۰	۱۳.۰	۱۳.۰	۴۵.۸
	۳۶ تا ۴۵ سال	۱۰۹	۲۸.۴	۲۸.۴	۷۴.۲
	۴۶ تا ۵۵ سال	۶۵	۱۶.۹	۱۶.۹	۹۱.۱
	بیشتر از ۵۶ سال	۳۴	۸.۹	۸.۹	۱۰۰.۰
	جمع	۳۸۴	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	—
وضعیت تأهل	مجرد	۱۸۶	۴۸.۴	۴۸.۴	۴۸.۴

آموزش، تربیت و توسعه پایدار

۹۸.۷	۵۰.۳	۵۰.۳	۱۹۳	متأهل	
۱۰۰.۰	۱.۳	۱.۳	۵	مطلقه	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۵.۵	۵.۵	۵.۵	۲۱	زیر دیپلم	تحصیلات
۲۵.۵	۲۰.۱	۲۰.۱	۷۷	دیپلم	
۳۷.۵	۱۲.۰	۱۲.۰	۴۶	فوق دیپلم	
۷۲.۹	۳۵.۴	۳۵.۴	۱۳۶	لیسانس	
۹۵.۶	۲۲.۷	۲۲.۷	۸۷	فوق لیسانس	
۱۰۰.۰	۴.۴	۴.۴	۱۷	دکتری	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۴.۹	۴.۹	۴.۹	۱۹	بازنشسته	وضعیت اشتغال
۱۹.۵	۱۴.۶	۱۴.۶	۵۶	خانه‌دار	
۲۴.۷	۵.۲	۵.۲	۲۰	بیکار (در جستجوی شغل)	
۳۱.۵	۶.۸	۶.۸	۲۶	شغل آزاد	
۴۰.۶	۹.۱	۹.۱	۳۵	کارمند بخش خصوصی	
۷۰.۱	۲۹.۴	۲۹.۴	۱۱۳	کارمند بخش دولتی	
۷۲.۱	۲.۱	۲.۱	۸	پزشک/استاد دانشگاه/معلم	
۹۹.۰	۲۶.۸	۲۶.۸	۱۰۳	دانشجو	
۱۰۰.۰	۱.۰	۱.۰	۴	کارگر	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۵۴.۲	۵۴.۲	۵۴.۲	۲۰.۸	کمتر از ۱۵ میلیون	درآمد ماهیانه
۶۹.۵	۱۵.۴	۱۵.۴	۵۹	بین ۱۶ تا ۲۰ میلیون	
۷۶.۰	۶.۵	۶.۵	۲۵	بین ۲۱ تا ۲۵ میلیون	
۸۷.۸	۱۱.۷	۱۱.۷	۴۵	بین ۲۶ تا ۳۰ میلیون	
۱۰۰.۰	۱۲.۲	۱۲.۲	۴۷	بیشتر از ۳۱ میلیون	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۲۷.۳	۲۷.۳	۲۷.۳	۱۰.۵	مالک	وضعیت سکونت
۶۳.۵	۳۶.۲	۳۶.۲	۱۳۹	مستأجر	
۹۳.۲	۲۹.۷	۲۹.۷	۱۱۴	منزل پدری یا اقوام	
۱۰۰.۰	۶.۸	۶.۸	۲۶	سایر	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۴۳.۰	۴۳.۰	۴۳.۰	۱۶۵	دارای خودرو شخصی	خودرو شخصی
۱۰۰.۰	۵۷.۰	۵۷.۰	۲۱۹	فاقد خودرو شخصی	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۱۰.۷	۱۰.۷	۱۰.۷	۴۱	از بلایای طبیعی آسیب دیده است	آسیب‌دیدگی از بلایای طبیعی
۱۰۰.۰	۸۹.۳	۸۹.۳	۳۴۳	از بلایای طبیعی آسیب ندیده است	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۴۰	مشارکت کم	مشارکت پیش از بحران
۶۴.۶	۵۴.۲	۵۴.۲	۲۰.۸	مشارکت متوسط	
۱۰۰.۰	۳۵.۴	۳۵.۴	۱۳۶	مشارکت زیاد	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۲.۶	۲.۶	۲.۶	۱۰	مشارکت کم	مشارکت در مرحله پاسخ (حین بحران)
۴۷.۷	۴۵.۱	۴۵.۱	۱۷۳	مشارکت متوسط	
۱۰۰.۰	۵۲.۳	۵۲.۳	۲۰۱	مشارکت زیاد	

—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۷.۶	۷.۶	۷.۶	۲۹	مشارکت کم	مشارکت مجازی
۶۱.۷	۵۴.۲	۵۴.۲	۲۰۸	مشارکت متوسط	
۱۰۰.۰	۳۸.۳	۳۸.۳	۱۴۷	مشارکت زیاد	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	
۱۹.۰	۱۹.۰	۱۹.۰	۷۳	مشارکت کم	مشارکت در مرحله بازسازی
۷۸.۶	۵۹.۶	۵۹.۶	۲۲۹	مشارکت متوسط	
۱۰۰.۰	۲۱.۴	۲۱.۴	۸۲	مشارکت زیاد	
—	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۳۸۴	جمع	

بر اساس جدول ۱، ترکیب جنسیتی نمونه نامتوازن بوده و زنان با ۷۰.۶ درصد بخش عمده پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند، در حالی که سهم مردان ۲۹.۴ درصد بوده است. از نظر سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه زیر ۲۵ سال با ۳۲.۸ درصد و پس از آن گروه ۳۶ تا ۴۵ سال با ۲۸.۴ درصد بوده است. این الگو نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از یک سو متکی بر گروه‌های سنی جوان‌تر و از سوی دیگر شامل بخشی از افراد در سنین میان‌سالی فعال است که می‌تواند در تحلیل رفتارهای مشارکتی در شرایط بحران اهمیت داشته باشد. همچنین از نظر وضعیت تأهل، توزیع نمونه تقریباً متعادل است؛ به‌گونه‌ای که ۵۰.۳ درصد متأهل، ۴۸.۴ درصد مجرد و ۱.۳ درصد مطلقه بوده‌اند.

از نظر سطح تحصیلات، بخش بزرگی از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند؛ به طوری که ۳۵.۴ درصد دارای مدرک لیسانس و ۲۲.۷ درصد دارای مدرک فوق لیسانس بوده‌اند. در کنار آن، ۲۰.۱ درصد دیپلم، ۱۲.۰ درصد فوق دیپلم، ۵.۵ درصد زیر دیپلم و ۴.۴ درصد دکتری داشته‌اند. این توزیع نشان می‌دهد که نمونه مورد مطالعه از سرمایه آموزشی نسبتاً مناسبی برخوردار بوده است. در زمینه وضعیت اشتغال نیز بیشترین فراوانی مربوط به کارمندان بخش دولتی با ۲۹.۴ درصد و دانشجویان با ۲۶.۸ درصد بوده است. پس از آن، خانه‌داران با ۱۴.۶ درصد، کارمندان بخش خصوصی با ۹.۱ درصد، شغل آزاد با ۶.۸ درصد، بیکاران در جستجوی شغل با ۵.۲ درصد، بازنشستگان با ۴.۹ درصد، پزشک/استاد دانشگاه/معلم با ۲.۱ درصد و کارگران با ۱.۰ درصد قرار داشته‌اند. این ترکیب حاکی از حضور هم‌زمان گروه‌های دارای ثبات شغلی و گروه‌های در حال گذار اقتصادی در نمونه پژوهش است.

در بعد اقتصادی، بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان، یعنی ۵۴.۲ درصد، درآمد ماهیانه کمتر از ۱۵ میلیون تومان داشته‌اند. همچنین ۱۵.۴ درصد در بازه ۱۶ تا ۲۰ میلیون، ۶.۵ درصد در بازه ۲۱ تا ۲۵ میلیون، ۱۱.۷ درصد در بازه ۲۶ تا ۳۰ میلیون و ۱۲.۲ درصد بیش از ۳۱ میلیون تومان درآمد داشته‌اند. این الگو بیانگر آن است که بخش عمده نمونه در سطوح درآمدی پایین تا متوسط قرار داشته‌اند. در ارتباط با وضعیت سکونت نیز ۳۶.۲ درصد مستأجر، ۲۹.۷ درصد ساکن منزل پدری یا اقوام، ۲۷.۳ درصد مالک و ۶.۸ درصد در سایر وضعیت‌ها بوده‌اند. افزون بر این، ۵۷.۰ درصد از پاسخ‌گویان فاقد خودروی شخصی و ۴۳.۰ درصد دارای خودرو بوده‌اند. مجموع این شاخص‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از نمونه، از نظر دارایی‌ها و ثبات اقتصادی، در شرایط متوسط یا نسبتاً محدود قرار داشته‌اند.

از منظر تجربه بلایا، تنها ۱۰.۷ درصد از افراد گزارش کرده‌اند که مستقیماً از بلایای طبیعی آسیب دیده‌اند، در حالی که ۸۹.۳ درصد فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند. این یافته بیان می‌کند که مشارکت اجتماعی در این پژوهش لزوماً فقط ناشی از تجربه مستقیم آسیب نبوده، بلکه می‌تواند متأثر از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دیگر نیز باشد. در مرحله پیش از بحران، بیشترین میزان مربوط به مشارکت متوسط با ۵۴.۲ درصد بوده و پس از آن مشارکت زیاد با ۳۵.۴ درصد و مشارکت کم با ۱۰.۴ درصد قرار داشته است. این امر نشان می‌دهد که آمادگی و درگیری شهروندان در مرحله پیشگیرانه عمدتاً در سطح میانه قرار دارد.

در مرحله پاسخ بحران، الگوی مشارکت تغییر یافته و مشارکت زیاد با ۵۲.۳ درصد به بالاترین سطح رسیده است، در حالی که مشارکت متوسط ۴۵.۱ درصد و مشارکت کم تنها ۲.۶ درصد بوده است. این یافته نشان می‌دهد که در زمان وقوع بحران، تمایل به حضور و اقدام اجتماعی افزایش معناداری پیدا می‌کند. در مورد مشارکت مجازی نیز بیشترین فراوانی مربوط به سطح متوسط با ۵۴.۲ درصد و پس از آن سطح زیاد با

۳۸.۳ درصد بوده است، در حالی که فقط ۷.۶ درصد مشارکت مجازی کمی داشته‌اند. این موضوع اهمیت بسترهای دیجیتال را در الگوهای جدید مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد.

در نهایت، در مرحله بازسازی، مشارکت متوسط با ۵۹.۶ درصد بیشترین سهم را داشته و مشارکت زیاد به ۲۱.۴ درصد کاهش یافته است، در حالی که ۱۹.۰ درصد مشارکت کم را گزارش کرده‌اند. این کاهش در مشارکت زیاد نسبت به مرحله پاسخ می‌تواند بیانگر آن باشد که مشارکت در بازسازی، به دلیل ماهیت طولانی‌تر، نیاز بیشتر به منابع مادی، زمانی و انگیزشی، دشوارتر از مشارکت فوری در لحظه بحران است. در مجموع، جدول ۱ نشان می‌دهد که نمونه پژوهش عمدتاً از زنان، افراد جوان یا میانسال، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، گروه‌های درآمدی پایین تا متوسط و کسانی تشکیل شده است که در مراحل مختلف بحران، به‌ویژه در مرحله پاسخ، سطح قابل توجهی از مشارکت اجتماعی را تجربه کرده‌اند. این ویژگی‌ها می‌تواند در تبیین جامعه‌شناختی رابطه میان توسعه اقتصادی خانوار و مشارکت اجتماعی در بحران‌ها نقشی اساسی ایفا کند.

جدول ۲. خلاصه تحلیل واریانس مدل‌های رگرسیونی مربوط به مشارکت اجتماعی و توسعه اقتصادی فردی

ردیف	متغیر وابسته	پیش‌بین‌ها	منبع تغییرات	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
۱	مشارکت اجتماعی	توسعه اقتصادی فردی - بعد عینی، توسعه اقتصادی فردی - بعد ذهنی	رگرسیون	۳۰۸۸.۶۹۸	۲	۱۵۴۴.۳۴۹	۱۰.۴۲۸	۰.۰۰۰	۰.۲۲۸	۰.۰۵۲	۰.۰۴۷
		باقیمانده		۵۶۴۲۲.۴۵۹	۳۸۱	۱۴۸.۰۹۰					
		جمع		۵۹۵۱۱.۱۵۶	۳۸۳						
۲	مشارکت اجتماعی	چالش‌های ساختاری (ادراک پاسخگو)، سرمایه اجتماعی	رگرسیون	۸۳۰۸.۹۴۶	۲	۴۱۵۴.۴۷۳	۳۰.۹۱۴	۰.۰۰۰	۰.۳۷۴	۰.۱۴۰	۰.۱۳۵
		باقیمانده		۵۱۲۰۲.۲۱۰	۳۸۱	۱۳۴.۳۸۹					
		جمع		۵۹۵۱۱.۱۵۶	۳۸۳						
۳	توسعه اقتصادی فردی - بعد عینی	چالش‌های ساختاری (ادراک پاسخگو)، سرمایه اجتماعی	رگرسیون	۱۵۲۸.۰۶۸	۲	۷۶۴.۰۳۴	۳۷.۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۴۰۴	۰.۱۶۳	۰.۱۵۹
		باقیمانده		۷۸۲۰.۰۸۹	۳۸۱	۲۰.۵۲۵					
		جمع		۹۳۴۸.۱۵۶	۳۸۳						
۴	توسعه اقتصادی فردی - بعد ذهنی	چالش‌های ساختاری (ادراک پاسخگو)، سرمایه اجتماعی	رگرسیون	۲۶۸۳.۲۶۲	۲	۱۳۴۱.۶۳۱	۱۱۶.۰۹۸	۰.۰۰۰	۰.۶۱۵	۰.۳۷۹	۰.۳۷۵
		باقیمانده		۴۴۰۲.۸۶۱	۳۸۱	۱۱.۵۵۶					
		جمع		۷۰۸۶.۱۲۲	۳۸۳						

بر اساس جدول ۲، مدل رگرسیونی مربوط به تأثیر ابعاد عینی و ذهنی توسعه اقتصادی فردی بر مشارکت اجتماعی از نظر آماری معنادار بوده است. مقدار F برابر با ۱۰.۴۲۸ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ نشان می‌دهد که این مدل توانسته است به‌طور کلی تغییرات مشارکت اجتماعی

را پیش‌بینی کند. با این حال، مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰.۲۲۸ و ضریب تعیین ۰.۰۵۲ نشان می‌دهد که این دو بعد از توسعه اقتصادی فردی در مجموع تنها ۵.۲ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کرده‌اند. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰.۰۴۷ بیانگر آن است که پس از کنترل اثر تعداد متغیرهای پیش‌بین، قدرت تبیین مدل اندکی کاهش می‌یابد. در نتیجه، اگرچه توسعه اقتصادی فردی بر مشارکت اجتماعی اثر معنادار دارد، اما سهم تبیینی آن در این مدل نسبتاً محدود است و به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در تبیین مشارکت اجتماعی نقش مهمی بر عهده دارند.

نتایج مدل دوم نشان می‌دهد که متغیرهای چالش‌های ساختاری و سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی از قدرت بیشتری نسبت به ابعاد توسعه اقتصادی فردی برخوردارند. مقدار F این مدل برابر با ۳۰.۹۱۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۰.۰۰۱ است که بیانگر معناداری بالای مدل است. همچنین مقدار R برابر با ۰.۳۷۴، ضریب تعیین ۰.۱۴۰ و ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰.۱۳۵ نشان می‌دهد که این دو متغیر توانسته‌اند ۱۴ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی را تبیین کنند. مقایسه این مدل با مدل اول نشان می‌دهد که سهم چالش‌های ساختاری و سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت اجتماعی به مراتب بیشتر از سهم ابعاد عینی و ذهنی توسعه اقتصادی فردی است. این یافته می‌تواند مؤید آن باشد که مشارکت اجتماعی در بحران‌ها، علاوه بر وضعیت اقتصادی، به شدت متأثر از کیفیت روابط اجتماعی، اعتماد، شبکه‌های ارتباطی و نیز ادراک افراد از ساختارهای حمایتی و پاسخگو است.

در مدل سوم، تأثیر چالش‌های ساختاری و سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی فردی در بعد عینی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که این مدل نیز از معناداری بالایی برخوردار است و مقدار F برابر با ۳۷.۲۲۴ در سطح کمتر از ۰.۰۰۱ به دست آمده است. مقدار R برابر با ۰.۴۰۴، ضریب تعیین ۰.۱۶۳ و ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰.۱۵۹ نشان می‌دهد که ۱۶.۳ درصد از واریانس بعد عینی توسعه اقتصادی فردی توسط این دو متغیر تبیین می‌شود. این یافته بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی و نوع ادراک افراد از چالش‌های ساختاری، نه تنها بر مشارکت اجتماعی بلکه بر ابعاد ملموس و عینی توسعه اقتصادی فردی نیز اثرگذارند. به بیان دیگر، برخورداری از شبکه‌های حمایتی، اعتماد اجتماعی و همچنین تجربه یا ادراک موانع ساختاری، می‌تواند بر شاخص‌های عینی‌تر توسعه اقتصادی مانند ثبات شغلی، دارایی‌ها و دسترسی به منابع اثر داشته باشد.

در نهایت، قوی‌ترین مدل مربوط به تبیین توسعه اقتصادی فردی در بعد ذهنی است. در این مدل، مقدار F برابر با ۱۱۶.۰۹۸ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ بوده که نشان‌دهنده قدرت بسیار بالای مدل است. همچنین مقدار R برابر با ۰.۶۱۵، ضریب تعیین ۰.۳۷۹ و ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰.۳۷۵ نشان می‌دهد که چالش‌های ساختاری و سرمایه اجتماعی در مجموع ۳۷.۹ درصد از واریانس بعد ذهنی توسعه اقتصادی فردی را توضیح می‌دهند. این میزان تبیین در مقایسه با سایر مدل‌ها به مراتب بالاتر است و نشان می‌دهد که برداشت ذهنی افراد از وضعیت توسعه اقتصادی خود، بیش از هر چیز تحت تأثیر منابع اجتماعی و نحوه ادراک آنان از ساختارهای موجود قرار دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بعد ذهنی توسعه اقتصادی فردی نسبت به بعد عینی آن، حساسیت بیشتری به عوامل اجتماعی و ساختاری دارد و این امر اهمیت مؤلفه‌های ادراکی و رابطه‌ای را در تحلیل توسعه اقتصادی خانوار و پیامدهای اجتماعی آن برجسته می‌سازد.

جدول ۳. خلاصه ضرایب رگرسیونی مدل‌های پیش‌بینی مشارکت اجتماعی و توسعه اقتصادی فردی

ردیف	متغیر وابسته	پیش‌بین	B	Std. Error	Beta	t	سطح معناداری
۱	مشارکت اجتماعی	ثابت	۵۴.۸۱۵	۲.۶۳۲	—	۲۰.۸۲۵	۰.۰۰۰
		توسعه اقتصادی فردی - بعد عینی	۰.۳۶۰	۰.۱۴۵	۰.۱۴۳	۲.۴۷۵	۰.۰۱۴
		توسعه اقتصادی فردی - بعد ذهنی	۰.۳۴۹	۰.۱۶۷	۰.۱۲۰	۲.۰۸۸	۰.۰۳۷
۲	مشارکت اجتماعی	ثابت	۴۸.۳۰۹	۲.۷۱۱	—	۱۷.۸۲۱	۰.۰۰۰
		سرمایه اجتماعی	۰.۳۸۷	۰.۱۵۲	۰.۱۴۲	۲.۵۴۸	۰.۰۱۱
		چالش‌های ساختاری (ادراک پاسخگو)	۰.۶۳۷	۰.۱۲۸	۰.۲۷۸	۴.۹۷۸	۰.۰۰۰
۳	توسعه اقتصادی فردی - بعد عینی	ثابت	۴۸.۳۰۹	۲.۷۱۱	—	۱۷.۸۲۱	۰.۰۰۰

					سرمایه اجتماعی
۰.۰۱۱	۲.۵۴۸	۰.۱۴۲	۰.۱۵۲	۰.۳۸۷	چالش‌های ساختاری (ادراک پاسخگو)
۰.۰۰۰	۴.۹۷۸	۰.۲۷۸	۰.۱۲۸	۰.۶۳۷	ثابت
۰.۰۰۰	۵.۲۵۰	—	۰.۷۹۵	۴.۱۷۳	توسعه اقتصادی فردی - بعد ذهنی
۰.۰۰۰	۸.۵۶۳	۰.۴۰۷	۰.۰۴۵	۰.۳۸۱	سرمایه اجتماعی
۰.۰۰۰	۶.۱۹۵	۰.۲۹۴	۰.۰۳۸	۰.۲۳۳	چالش‌های ساختاری (ادراک پاسخگو)

بر اساس جدول ۳، در مدل اول که به بررسی تأثیر ابعاد توسعه اقتصادی فردی بر مشارکت اجتماعی می‌پردازد، هر دو بعد عینی و ذهنی دارای اثر مثبت و معنادار هستند. ضریب بتای استاندارد شده برای بعد عینی برابر با ۰.۱۴۳ و برای بعد ذهنی برابر با ۰.۱۲۰ گزارش شده است که نشان می‌دهد بعد عینی توسعه اقتصادی فردی تأثیر اندکی قوی‌تر بر مشارکت اجتماعی دارد. مقادیر t برای هر دو متغیر (۲.۰۸۸ و ۲.۴۷۵) در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ قرار دارند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بهبود وضعیت اقتصادی، چه در بعد عینی و چه در بعد ادراکی، با افزایش مشارکت اجتماعی در شرایط بحران همراه است، هرچند شدت این اثر در حد متوسط و نسبتاً محدود است.

در مدل دوم، تأثیر عوامل مداخله‌گر شامل سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری بر مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که هر دو متغیر دارای اثر مثبت و معنادار هستند، اما شدت تأثیر آن‌ها متفاوت است. ضریب بتای سرمایه اجتماعی برابر با ۰.۱۴۲ و ضریب بتای چالش‌های ساختاری برابر با ۰.۲۷۸ است که نشان می‌دهد چالش‌های ساختاری (در قالب ادراک پاسخگویی نهادها و ساختارها) تأثیر قوی‌تری بر مشارکت اجتماعی دارند. مقدار t برای چالش‌های ساختاری (۴.۹۷۸) نیز به مراتب بالاتر از سرمایه اجتماعی (۲.۵۴۸) است که بیانگر نقش برجسته‌تر این متغیر در تبیین رفتار مشارکتی است. این یافته نشان می‌دهد که ادراک افراد از کارآمدی یا ناکارآمدی ساختارها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مشارکت آنان در بحران‌ها ایفا کند.

در مدل سوم، اثر سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری بر توسعه اقتصادی فردی در بعد عینی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که الگوی ضرایب مشابه مدل دوم است؛ به طوری که هر دو متغیر دارای اثر مثبت و معنادار هستند و چالش‌های ساختاری با ضریب بتای ۰.۲۷۸ تأثیر قوی‌تری نسبت به سرمایه اجتماعی با ضریب ۰.۱۴۲ دارد. این امر نشان می‌دهد که شرایط ساختاری و ادراک افراد از آن، نه تنها بر مشارکت اجتماعی بلکه بر شاخص‌های عینی توسعه اقتصادی مانند دسترسی به منابع، امنیت شغلی و سطح درآمد نیز تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، محیط نهادی و ساختاری می‌تواند به عنوان بستری تعیین‌کننده در شکل‌گیری وضعیت اقتصادی واقعی افراد عمل کند.

در نهایت، در مدل چهارم که به تبیین توسعه اقتصادی فردی در بعد ذهنی اختصاص دارد، هر دو متغیر سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری اثر مثبت و بسیار معناداری نشان داده‌اند، اما در اینجا سرمایه اجتماعی با ضریب بتای ۰.۴۰۷ قوی‌ترین پیش‌بین محسوب می‌شود. مقدار t بالا برای سرمایه اجتماعی (۸.۵۶۳) و چالش‌های ساختاری (۶.۱۹۵) نیز بیانگر قدرت بالای این روابط است. این نتایج نشان می‌دهد که ادراک ذهنی افراد از وضعیت اقتصادی خود بیش از هر چیز تحت تأثیر کیفیت روابط اجتماعی، اعتماد و شبکه‌های ارتباطی قرار دارد. در مجموع، یافته‌های جدول ۳ بیانگر آن است که اگرچه توسعه اقتصادی فردی نقش مهمی در مشارکت اجتماعی دارد، اما عوامل اجتماعی و ساختاری، به‌ویژه در سطح ادراک و ذهنیت افراد، نقش پررنگ‌تری در شکل‌دهی به این فرآیند ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که توسعه اقتصادی خانوار، هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی، دارای تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی در شرایط بحران و بلایای طبیعی است، هرچند شدت این تأثیر نسبتاً محدود بوده و بخش اندکی از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. این نتیجه بیانگر آن است که بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی شود، اما به تنهایی قادر به توضیح کامل رفتارهای مشارکتی نیست. این یافته با نتایج مطالعاتی که بر نقش منابع اقتصادی در تسهیل

مشارکت اجتماعی تأکید دارند همسو است، به گونه‌ای که دسترسی به منابع مالی و ثبات اقتصادی، امکان تخصیص زمان و انرژی برای فعالیت‌های جمعی را افزایش می‌دهد (Lindo et al., 2025; Smith & Taylor, 2016). با این حال، پایین بودن ضریب تعیین در این مدل نشان می‌دهد که عوامل غیر اقتصادی نیز در شکل‌دهی به مشارکت اجتماعی نقش اساسی دارند.

در ادامه، نتایج نشان داد که عوامل مداخله‌گر شامل سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری، تأثیر قوی‌تر و معنادارتری بر مشارکت اجتماعی نسبت به توسعه اقتصادی فردی دارند. به‌ویژه، چالش‌های ساختاری با ضریب تأثیر بالاتر، نقش برجسته‌تری در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی ایفا کرده‌اند. این یافته حاکی از آن است که ادراک افراد از کارآمدی یا ناکارآمدی ساختارهای نهادی و میزان پاسخگویی آن‌ها، می‌تواند انگیزه‌های مشارکت را تقویت یا تضعیف کند. این نتیجه با مطالعاتی که بر اهمیت کیفیت حکمرانی و اعتماد نهادی در افزایش مشارکت اجتماعی تأکید دارند، هم‌راستا است (Harris & White, 2017; Kemp, 2019). همچنین، نقش مثبت سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت اجتماعی نیز مورد تأیید قرار گرفت، که این امر نشان‌دهنده اهمیت شبکه‌های ارتباطی، اعتماد اجتماعی و هنجارهای همکاری در بسیج شهروندان برای مشارکت در شرایط بحران است (Ahmadi, 2020; Gholami & Firouzjeh, 2019).

یافته‌های مربوط به تأثیر عوامل مداخله‌گر بر توسعه اقتصادی فردی نیز نشان داد که سرمایه اجتماعی و چالش‌های ساختاری نه تنها بر مشارکت اجتماعی، بلکه بر ابعاد اقتصادی زندگی افراد نیز اثرگذارند. در بعد عینی توسعه اقتصادی، این دو متغیر توانستند بخشی از واریانس را تبیین کنند، اما در بعد ذهنی، قدرت تبیینی آن‌ها به مراتب بیشتر بود. این نتیجه نشان می‌دهد که ادراک افراد از وضعیت اقتصادی خود، بیش از آنکه صرفاً به شاخص‌های عینی وابسته باشد، تحت تأثیر روابط اجتماعی و برداشت آن‌ها از محیط ساختاری قرار دارد. این یافته با دیدگاه‌هایی که بر چندبعدی بودن توسعه اقتصادی و اهمیت ابعاد ذهنی آن تأکید دارند، همخوانی دارد (Juhaidi et al., 2024; Karimi et al., 2025). همچنین، نتایج پژوهش حاضر تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک منبع غیرمادی، نقش مهمی در بهبود احساس رفاه اقتصادی ایفا کند.

در تحلیل الگوهای مشارکت در مراحل مختلف بحران، نتایج نشان داد که بیشترین سطح مشارکت در مرحله پاسخ (حین بحران) مشاهده می‌شود، در حالی که در مراحل پیش از بحران و بازسازی، مشارکت عمدتاً در سطح متوسط قرار دارد. این الگو نشان می‌دهد که در شرایط اضطراری، انگیزه‌های فوری و احساس مسئولیت اجتماعی موجب افزایش مشارکت می‌شود، اما در مراحل طولانی‌تر مانند بازسازی، نیاز به منابع اقتصادی و تعهد بلندمدت می‌تواند مانعی برای تداوم مشارکت باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی که بر تفاوت ماهیت مشارکت در مراحل مختلف مدیریت بحران تأکید دارند، همسو است (Mahdieh, 2020; Shaw, 2012). به‌ویژه، در مرحله بازسازی، که نیازمند سرمایه‌گذاری زمانی و مالی بیشتری است، نقش توسعه اقتصادی خانوار برجسته‌تر می‌شود.

همچنین، یافته‌ها نشان داد که سطح مشارکت مجازی در میان پاسخ‌گویان عمدتاً در حد متوسط تا بالا است، که این امر می‌تواند نشان‌دهنده نقش فزاینده فناوری‌های ارتباطی در تسهیل مشارکت اجتماعی باشد. در عصر تحول دیجیتال، مشارکت دیگر محدود به حضور فیزیکی نیست و افراد می‌توانند از طریق بسترهای آنلاین در فعالیت‌های اجتماعی و امدادی مشارکت کنند. این نتیجه با مطالعاتی که بر نقش فناوری در گسترش اشکال جدید مشارکت اجتماعی تأکید دارند، هم‌راستا است (Doan, 2025). با این حال، دسترسی به این فناوری‌ها و مهارت استفاده از آن‌ها نیز می‌تواند تحت تأثیر سطح توسعه اقتصادی و تحصیلات افراد باشد.

از منظر جامعه‌شناختی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی در بحران‌ها یک پدیده چندبعدی است که تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و ساختاری قرار دارد. توسعه اقتصادی خانوار، اگرچه نقش مهمی در فراهم کردن منابع لازم برای مشارکت دارد، اما بدون وجود سرمایه اجتماعی و ساختارهای نهادی کارآمد، نمی‌تواند به‌تنهایی موجب افزایش مشارکت شود. این نتیجه با نظریه‌های توسعه اجتماعی که بر اهمیت هم‌زمان ابعاد اقتصادی و اجتماعی در فرآیند توسعه تأکید دارند، همخوانی دارد (Fazeli et al.,).

گرفته شود، به گونه‌ای که افزایش آن بیانگر بهبود در روابط اجتماعی و کیفیت زندگی جمعی است (Jones, 2018).

در بستر شهری تهران، این یافته‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا این شهر با چالش‌های متعددی از جمله تراکم جمعیت، نابرابری‌های اقتصادی و آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی مواجه است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که برای افزایش مشارکت اجتماعی در چنین شرایطی، صرفاً بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها کافی نیست، بلکه باید به تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود عملکرد نهادهای رسمی نیز توجه شود. این موضوع با مطالعات داخلی که بر نقش مشارکت شهروندان در بهبود مدیریت بحران و کاهش آسیب‌پذیری تأکید دارند، هم‌راستا است (Amouzad Khalili et al., 2018; Faraji et al., 2020). همچنین، توجه به موانع مشارکت، به‌ویژه در میان گروه‌های خاص مانند زنان، می‌تواند به طراحی سیاست‌های مؤثرتر منجر شود (Azamazadeh & Moshtaghian, 2016).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای ارتقای مشارکت اجتماعی در بحران‌ها، باید رویکردی جامع اتخاذ شود که در آن، توسعه اقتصادی خانوار، تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود ساختارهای نهادی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اجتماعی و کاهش پیامدهای منفی بلایای طبیعی در جوامع شهری کمک کند (Hossain, 2020; Wandera Clief, 2020; Naku, 2020).

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به ماهیت مقطعی آن اشاره کرد که امکان بررسی روابط علی را به‌طور کامل فراهم نمی‌سازد. همچنین، استفاده از داده‌های خودگزارشی ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهی همراه باشد. محدود بودن جامعه آماری به شهر تهران نیز تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق را با احتیاط مواجه می‌سازد. علاوه بر این، برخی متغیرهای بالقوه تأثیرگذار مانند ویژگی‌های فرهنگی یا تفاوت‌های منطقه‌ای درون‌شهری در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، از طرح‌های طولی برای بررسی تغییرات مشارکت اجتماعی در طول زمان و در مراحل مختلف بحران استفاده شود. همچنین، گسترش دامنه مطالعه به سایر شهرها و مناطق روستایی می‌تواند به مقایسه الگوهای مشارکت در بسترهای مختلف کمک کند. بررسی نقش متغیرهای فرهنگی، روان‌شناختی و فناوری نیز می‌تواند به غنای مدل‌های تبیینی بیفزاید. به‌علاوه، استفاده از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) می‌تواند درک عمیق‌تری از انگیزه‌ها و موانع مشارکت فراهم کند.

در حوزه کاربردی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید به‌طور هم‌زمان بر بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها، تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش کارآمدی نهادهای پاسخگو تمرکز کنند. طراحی برنامه‌های آموزشی برای ارتقای آگاهی عمومی، توسعه زیرساخت‌های مشارکت مجازی و ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت داوطلبانه می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی در بحران‌ها کمک کند. همچنین، توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر و کاهش موانع ساختاری مشارکت، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود تاب‌آوری اجتماعی در برابر بلایای طبیعی منجر شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

In recent decades, rapid urbanization, socio-economic transformations, and increasing exposure to environmental risks have intensified the importance of social participation in crisis management and disaster response, particularly in large metropolitan contexts such as Tehran. Social participation is widely recognized as a fundamental pillar of social development and a critical mechanism through which communities enhance resilience, reduce vulnerability, and improve collective responses to crises. From a sociological perspective, participation reflects not only individual willingness but also the structural, economic, and relational capacities embedded within society (Jones, 2018; Smith & Taylor, 2016). Accordingly, understanding the determinants of social participation—especially in high-risk urban environments—requires a multidimensional approach that integrates economic, social, and institutional factors.

Household economic development plays a pivotal role in shaping individuals' ability and readiness to engage in social activities. Economic stability, access to resources, and perceived financial security can facilitate participation by enabling individuals to allocate time, energy, and material resources toward collective efforts. Empirical studies suggest that stable income and improved economic conditions are associated with stronger social engagement and enhanced family and community interactions (Lindo et al., 2025; Oftedal et al., 2025). However, economic development is not limited to objective indicators such as income and assets; subjective perceptions of economic well-being also influence behavior, often mediating the relationship between material conditions and social action.

At the same time, social participation in crises is strongly influenced by contextual and relational factors. Social capital—comprising trust, networks, and norms of reciprocity—has been consistently identified as a key determinant of civic engagement and collective action. It acts as a bridge between individual resources and collective outcomes, facilitating coordination and cooperation in times of uncertainty (Ahmadi, 2020; Gholami & Firouzjah, 2019). In parallel, structural conditions such as institutional effectiveness, governance quality, and perceived responsiveness of authorities play a crucial role in shaping citizens' motivation to participate. When individuals perceive institutions as responsive and supportive, their willingness to engage in social activities increases; conversely, structural inefficiencies may discourage participation (Harris & White, 2017; Kemp, 2019).

Disaster management literature further emphasizes that participation varies across different phases of crisis, including preparedness, response, and recovery. Community-based approaches highlight the necessity of active citizen involvement for effective disaster risk reduction and sustainable recovery processes (Shaw,

2012). However, the level and nature of participation in each phase may depend on the availability of resources, social networks, and institutional support. In developing and transitional contexts, these dynamics are often shaped by socio-economic inequalities and structural constraints (Hossain, 2020).

Despite the growing body of research, there remains a gap in integrated analyses that simultaneously examine the interplay between household economic development, social capital, structural challenges, and social participation in crisis contexts. Moreover, the distinction between objective and subjective dimensions of economic development has received limited attention, particularly in urban settings such as Tehran, where socio-economic diversity and vulnerability are highly pronounced (Barghamadi & Abdollahi, 2019; Safiri & Sadeghi, 2009). Therefore, this study aims to provide a sociological analysis of the impact of household economic development on social participation in crises and natural disasters in Tehran, with a particular focus on the mediating roles of social capital and structural factors.

Methods and Materials

This study was conducted using a quantitative, descriptive-survey design with a correlational approach. The research focused on examining the structural relationships among key variables through path analysis. The statistical population consisted of all household heads or individuals aged over 18 residing in the 22 districts of Tehran. A sample size of 384 participants was determined using Cochran's formula, and respondents were selected through a multi-stage cluster sampling method to ensure representativeness across different urban regions.

Data were collected using a researcher-developed questionnaire designed based on theoretical foundations of social development, social capital, and crisis participation. The instrument included sections measuring demographic characteristics, household economic development (objective and subjective dimensions), social capital, structural challenges, and levels of social participation across different phases of crisis (pre-crisis, response, recovery, and virtual participation). Content validity was confirmed through expert evaluation and the calculation of the Content Validity Ratio (CVR), while reliability was assessed using Cronbach's alpha, indicating high internal consistency.

Data analysis was performed using SPSS version 26. Descriptive statistics were first computed to summarize sample characteristics. Subsequently, hierarchical multiple regression analysis was employed to test the conceptual model and assess the direct and indirect effects of independent variables on dependent variables. Standardized coefficients were used to interpret the strength and direction of relationships.

Findings

The results indicated that both objective and subjective dimensions of household economic development had a positive and statistically significant effect on social participation. However, the explanatory power of this model was relatively low, with the two dimensions jointly accounting for a limited proportion of the variance in social participation. Among these, the objective dimension demonstrated a slightly stronger effect than the subjective dimension.

In contrast, the model examining the impact of social capital and structural challenges on social participation revealed significantly higher explanatory power. Both variables showed positive and significant effects, with structural challenges (as perceived responsiveness) exerting a stronger influence than social capital. This suggests that individuals' perceptions of institutional performance play a critical role in shaping their participation behavior.

Further analysis showed that social capital and structural challenges also significantly influenced household economic development. In the objective dimension, these variables accounted for a moderate proportion of variance, whereas in the subjective dimension, their explanatory power was substantially higher. Notably, social capital emerged as the strongest predictor of subjective economic development, indicating the importance of relational and perceptual factors in shaping individuals' economic self-assessment.

Regarding participation patterns, the highest levels of participation were observed during the crisis response phase, followed by moderate levels in the preparedness and recovery phases. Virtual participation was also reported at moderate to high levels, reflecting the growing importance of digital platforms in facilitating social engagement.

Discussion and Conclusion

The findings of this study highlight the complex and multidimensional nature of social participation in crisis contexts. While household economic development contributes to participation, its direct impact is relatively limited compared to social and structural factors. This suggests that economic resources alone are insufficient to fully explain participation behaviors and must be considered alongside broader social dynamics.

The strong influence of social capital underscores the importance of trust, social networks, and collective norms in mobilizing individuals for social action. Communities with higher levels of social capital are better equipped to coordinate efforts and sustain participation, even in the face of economic constraints. This finding reinforces the view that social relationships serve as critical assets in enhancing community resilience.

The prominent role of structural challenges further indicates that institutional context and governance quality are key determinants of participation. When individuals perceive institutions as responsive and effective, they are more likely to engage in collective activities. Conversely, perceived inefficiencies can act as barriers to participation, regardless of individuals' economic or social resources.

The differential impact of variables on objective and subjective dimensions of economic development also provides important insights. The stronger influence of social capital on subjective economic perceptions suggests that individuals' sense of economic well-being is shaped not only by material conditions but also by social interactions and comparative evaluations. This highlights the need to consider both tangible and intangible aspects of development in sociological analyses.

The variation in participation across different phases of crisis reflects the dynamic nature of social engagement. High participation during the response phase indicates strong immediate reactions to crisis situations, while lower participation in recovery phases suggests challenges in sustaining long-term engagement. This pattern emphasizes the importance of designing interventions that support continuous participation beyond the initial stages of crisis.

Overall, this study demonstrates that enhancing social participation in crises requires an integrated approach that addresses economic conditions, strengthens social capital, and improves institutional effectiveness. Policymakers should focus on creating supportive environments that facilitate trust, collaboration, and access to resources, while also addressing structural barriers that hinder participation. By adopting such a comprehensive strategy, it is possible to promote greater community resilience and improve the effectiveness of crisis management in urban settings.

References

- Ahmadi, T. (2020). Identifying and analyzing the role of social capital elements on citizen participation in the maintenance of the historical fabric of Tabriz Bazaar. Papers of the 7th National Conference on Modern Studies and Research in the Field of Geography, Architecture and Urbanism of Iran, Tehran.
- Amouzad Khalili, S., Rashidi, A., & Pirdashti, H. (2018). Investigating the role of public participation in improving the performance of urban space crisis management and the factors affecting it from the perspective of Rogers' social participation theory in Behshahr. *Disaster Prevention and Management Knowledge*, 8(3), 255-268.
- Azamazadeh, M., & Moshtaghian, M. (2016). Barriers to women's participation in the social development process. *Social Problems of Iran*, 7(1), 31-55.
- Barghamadi, H., & Abdollahi, A. (2019). Fuzzy analysis of social participation of Tehran citizens. *Iranian Social Development Studies*, 12(1), 69-87.
- Darban Astaneh, A. R., Bazgir, S., & Sheikhzadeh, M. (2017). Spatial analysis of households' social vulnerability to earthquakes (Case study: District 6 of Tehran). *Human Geography Research*, 49(2), 465-484.

- Doan, U. T. T. (2025). Digital Transformation Influencing Civil Administrative Services at Grassroots Governance and Social Development. *The Law and Development Review*. <https://doi.org/10.1515/ldr-2025-0009>
- Elmi, M. (2020). Participation and development: Some individual social factors related to the participation of Tabriz citizens. *Iranian Social Development Studies*, 12(3), 93-102.
- Faraji, S. J., Khabazi Chaleshtari, M., & Ahmadi, S. (2020). The role of citizen participation in promoting security and social development (Case study: Herat city). *Urban Social Geography*, 7(1), 97-124.
- Fazeli, M., Fattahi, S., & Zanjan Rafiei, S. N. (2013). Social development, indicators and Iran's position in the world. *socio-cultural Development Studies*, 2(1), 159-182.
- Gholami, T., & Firouzjah, J. A. (2019). Investigating the relationship between the components of participation in the local community and working interactions of social capital with the innovative behavior of active sports tourism destinations in Bushehr province. Papers of the 3rd National Congress of Achievements in Sports Sciences and Health, Rasht.
- Harris, S., & White, J. (2017). Community development and social participation: Evidence from comparative studies. *International Journal of Community Development*, 22(3), 201-215.
- Hossain, M. (2020). Social inclusion and participation in developing countries: A case study of South Asia. *Development Studies Quarterly*, 12(5), 32-47.
- Jones, L. (2018). The role of social development in enhancing civic engagement. *Civic Participation Quarterly*, 15(4), 98-112.
- Juhaidi, A., Fitria, A., Hidayati, N., & Fadillah, R. (2024). First-Generation Scholar in Indonesian Indigenous Family Tribe: Economic, Social, and Cultural Capital. *International Journal of Evaluation and Research in Education (Ijere)*, 13(3), 1545. <https://doi.org/10.11591/ijere.v13i3.27448>
- Karimi, J., Abbasi, H., & Eidi, H. (2025). Sociological Explanation of the Social Development Model Based on Sport Development. *Sport Management and Development*, 13(2), 194-211. <https://doi.org/10.22124/jsmd.2021.19452.2551>
- Kemp, R. (2019). Social development policies and their impact on social participation: A cross-national analysis. *World Development Journal*, 18(6), 789-805.
- Krause, M. (2021). The impact of social development on political participation: A global perspective. *Political Participation Review*, 39(8), 56-71.
- Lindo, J. M., Regmi, K., & Swensen, I. D. (2025). Stable income, stable family. *Review of Economics and Statistics*, 107(3), 653-667. https://doi.org/10.1162/rest_a_01304
- Mahdieh, A. (2020). Investigating the effect of public participation on crisis management performance. *Disaster Prevention and Management Knowledge*, 10(2), 126-141.
- Oftedal, A., Larsen, L., & Helland, M. S. (2025). Economic Hardship During the Covid-19 Pandemic and Trajectories of Parent-Child Relationships: A Prospective Longitudinal Study Among Norwegian Families. *Family Process*, 64(2). <https://doi.org/10.1111/famp.70031>
- Saberifar, R. (2022). Predicting the probability of citizens' participation in crisis management based on time allocation theory (Case study of Mashhad city). *Territorial Geography*(76), 79-99.
- Safiri, K., & Sadeghi, M. (2009). Students' social participation. *Applied Sociology*, 20(2), 34-42.
- Shaw, R. (2012). Overview of community-based disaster risk reduction. In *Community, environment and disaster risk management* (Vol. 10, pp. 3-17). Emerald Group Publishing. [https://doi.org/10.1108/S2040-7262\(2012\)0000010008](https://doi.org/10.1108/S2040-7262(2012)0000010008)
- Smith, J., & Taylor, R. (2016). Social development and participation: A theoretical perspective. *Journal of Social Development*, 34(2), 123-145.
- Wandera Clief Naku, D. (2020). Theoretical perspectives on the determinants of effective community participation in development programs. *Journal of Community Development Research (Humanities and Social Sciences)*, 13(4), 1-14.
- Zarei, Y. (2016). Assessment of some social development indicators in rural areas (Case study: Hormozgan Province). *Social Welfare and Development Planning*, 7(28), 193-230.